



نامه

از گان مرکزی حزب توده ایران

هیئت تحریریه: ایرج اسکندری - پروین گنابادی  
احمد قاسمی - احسان طبری - انور خامه

# ارتش و شهر بانی

در این روزها يك زن در جلوی عمارت جیره شدی در اثر فشار پاسبان ها در زیر دست و پا جان داد. يك زن دیگر پیشانی در اثر ضربت قندان تفنگ شكسته گردید. این تلفات مخصوصا با توجه نیازمندان و متعلقان آنها خیلی باعث تأسف است ولی اصل تأسف در اینجا است که اینگونه لطافت بدون سر و صدا انبام می یابد و حتی آن روزها هالی که موضوع کم شدن و پیدا شدن فرزند فلان کارخانه چی را سر مقاله قرار میدادند در این موضوعات تقریبا ساکت مانده اند، اصل تأسف در اینجا است که این نوع وقایع در اثر حمله یا لاقول در اثر دفاع روی میدهد بلکه با آموختن مظلوم اعزاز میگردد و آخرین مرحله آن ناله ای است که در گلوی مظلوم شکسته میشود، اصل تأسف در اینجا است که يك مشت مردم گرسنه را به نام پاسبان و سرباز بجان يك مشت مردم گرسنه دیگر انداخته اند و این گروه گرسنگان از نیرنگ های نا جوانمردانه ای که باعث جدایی آن ها از يك دیگر گردیده است بگلن غافل مانده اند. يك پایور شهر بانی در جلوی عمارت جیره بنام در میان جیشی که از خرابکاری و دزدی اعضای آن اداره ناله میکردند گفت: من قبول دارم که اینها دزدانند. اگر دزدی نکرده بودند پارک نمی ساختند اما... یکی از میان صحبت جواب داد: «اما شما که باین لباس و نگارنگ این دو تاج چه بولنی گول خورده اید معاف همان دزد ها هستید. اگر شبانه شبانه این دزد ها در مقابل ششم و هفتم ملت مجبور اند از دزدی دست بردارند» شاید آن پایور شهر بانی راست میگوید و واقعا هنوز دزد نکرده بود که شش او در این اجتماع غلط محافظت دزد های بزرگ و جلو گیری از گرسنگانی است که اجناس دست نمایی باموال دزد های قانونی دراز می کنند. يك افسر ارتش با شانهای افتاده و با دستهای به پشتی که از آستین کوتاه شورخورد های آویزان بود چوب ناصاف و پر گریه در دست داشت و با کمال بی حالی از این طرف به آن طرف میرفت و به نظامیها میگفت مردم را عقب بزنند.

یقین است که این بیچاره هم در خانه گرفتار قطعی نقد و جای بود و تمام این زحمت را از این جهت تحمل میکرد که چند متر پارچه پرن خود برساند. اصولا از قبایع خسته شش نظیر میرسد که توجه زیادی با طرفدار خود ندارد و قناری مشغول گرفتاری های زندگی خویش است.

يك نفر سر و پا برمه که هنوز لباس زنده نظامی او را در برداشته معلوم بود که تازه خدمت نظام را تمام کرده است وقتی که با تفنگ سرباز ها به عقب رانده میشد گفت: «رفتی که خدمت سربازی میکردم نان بنامم نبرسید. حالا این نظامی ها ته تفنگ بین میدهند».

یکی از افراد جمعیت رو یکی از سرباز های مهاجم آورده گفت: «این آدم سر و پا برمه را تا دیروز سربزه بدستی داده بود که تا نوسرتو و رفقای تو که هنوز نظامی نبودید بزنند. امروز من سرباز را بدست تو و رفقای تو داده اند که او که دیگر نظامی نیست بزند. تا وقتی که شش ها اینطور بجان هم می افتند همیشه گرفتار همین بدبختی خواهید بود» بیچاره سرباز جواب داد: «والله من خودم این را میدهم. امروز چند مرتبه از اینجا در رفتن و رفتن نزدیک در باک ایستادم. انصافا آمد و مرا با قفس باینجا آورد».

اصل تأسف در اینجا است که همه بدبختی خودشان را حس میکنند و بدبختی دیگران را هم چشم می بینند اما حالت حقیقی این بدبختی و راه رفع آن را درک نمیکند و جرات شکستن این اختیارات غلط اجتماعی را که باعث تفرقه آنها و تعویب عوامل بدبختی آنهاست ندارند. سرباز بیچاره نمیفهمد که امروز پیشانی فلان پیوه زن را که برای روزی پیتاشی در تلاش است یا قنداق تهک می کشند نظیر همین عمل در مورد زن و فرزند خودش که آنها را در دهات گذاشته است توسط سربازان دیگر بدست می آید همین گرسنگی و فلاکتش را آورده بود که در کین عزیزان خود اوست.

سرباز بیچاره جرات این سؤال را از خود ندارد که چرا سرباز و چرا میزنم؟ امروز هم جرات ما از آن گرسنگی و رهنمایی بدست ۱ مکر زن و فرزند و برادر و خواهر من هم گرسنه و برمه هستند ۲ مکر مهم همین بیچاره هایت که بصورت اجناس با بازار آزاد در بازارها خوابیده است؛ مگر از سهمیه اینها نیست که معتدترین بر روی صاف نهاده بزنند؛ پس چرا آنها را بزنم؟ این چراهاست که باید بسازانند و افسران ارتش آموخته شود تا ارتش ما بصورت ارتش ملی در آید یعنی ارتشی که موجب آرایش و امنیت ملت باشد نه وسیله اعمال غرضهای دشمنان ملت - اینکه دولت لایحه مجلس می آورد که افسران را از شرکت در اجزای و مسئولیتها در سیاست بازدارد از ترس همین چراهاست. دولت میترسد که بتدریج افسران جوان پامتنای حیاتی ارتش و مأمور واتی وظیفه آشنا شده منابع حیاتی خود را در کونده دگر حاضر باشند که مانند دوره رضاخان فقط برای سر کوبی هیوطان خویش مورد استفاده قرار گیرند. در وضعیت بحرانی امروز، پروردگان رضاخان و کسانی که آزادی ملت ایران آنهاست وجود يك ارتش از اجناس را مایه حیات خوش میباشند و امیدوارند که در بازو از این نیرو برای اجرای نیات پلید خویش استفاده نمایند. اما ما امیدواریم افسران شرافتمند ارتش که با حقایق دنیای امروز آشنا شده و عملیات ارتش های آزادی بخش جهان را دیده اند هرگز آلت اجرای این مقاصد نهم قرار نگیرند و شرافت خویش را در مقابل ملت ایران حفظ کنند.

# بنای ظلم و استبداد را زیر و زبر گردان ز دست مردمان پر دل و پادار میآید

## سیاسی

انور خامه (جوین)

### درهای بلغارستان بروی آلمانها بسته میشود دولت بلغار اعلام بی طرفی مینماید

## ملاپور یا مستعمره ملك مدنی

موجبات فوژد ملك مدنی در ملاپور - دوستی با سپهد احمدی - علل مخالفت او با احزاب - کیفیت تبعید دو نفر از اعضای حزب توده ایران - منشأ ارتجاعی بودن دولت - مسئولیت نمایندگان دوره چهاردهم

بقیه از شماره قبل  
او هنوز امیدوار است که با کمک همکاری در مجلس و سایر عوامل ارتجاعی بزودی در تمام احزاب را تحت کند آنها در آرزوی يك بلوای بچه سقایی هستند که آنها بپناه قرار دهند و عصری نظیر سید ضیاء را بسکون تا ماور کنند. از اینرو ملك مدنی که یکی از مترجمین افراطی است هلا بپناه گونه نهضت ملی و آزادیخواهی مبارزه میکند و در فکر زینه سازی برای یسکون دیکتاتوری تازه است پس مخالفت او با حزب توده بجز خودش که همیشه در مجلس صحبت میکند «صریحا يك امر اصولی است»

کیفیت تبعید دو نفر از اعضای حزب توده ایران  
هر چند در شماره های گذشته مختصرا بدستاسی امین برای تبعید اعضای حزب توده اشاره کرده ایم ولی درین مقاله از مضمونی که خود تبعید شده ها از اهواز نوشته اند استفاده میکنیم رفقای امی نویسنده: «در موضوع تبعید ما برای اینکه از یسرفرت روز افزون حزب توده در ملاپور جلوگیری کنند و دیگران را بترسانند طرفداران ملك مدنی در میان مردم چنین شایع کرده اند که تبعید اینجانبان مخصوصا که در جرایم هم منمکن نشده است با اشاره مقامات خارجی بوده و برای همین هم باهواز تبعید شده اند و بیفرواوند بشر این گونه دروغها مردم را بترسانند و حزب توده را مخالف منصفین وانمود کنند و مردم را بکلی از شرکت در امور سیاسی محروم سازند علت اینکه ما را تبعید کرده این است که چون اوضاع حزبی ملاپور در دوره اول دست اینجانبان بر پا شد و با هدایت هر چه بیشتر و اشطام کامل فعالیت واتنی و دقیق حزب از قبیل تشکیل حوزه ها و کنفرانسهای عمومی و نشر بیابیه های مفید و تشکیل اتحادیه کشاورزان و سازمان جوانان قیه در صفحه ۲

## تشکیل دولت جدید و نظریه فراکسیون توده

فراکسیون توده از روز نخست با دولت امی مساعد موافق بود زیرا اطمینان داشت که ایشان از عهده تشکیل يك دولت ملی که با جدیت دست اصلاح بزند بر نخواهند آمد و در عمل ثابت شد که نظریه فراکسیون توده کاملا صحیح بود. دولت ساعد با چندین اقدام غلط و مضرتناش داد که در غالب موارد از کابینه های سابق خود بد تر است. امروز نیز نظریه این فراکسیون در باره دولتی که ایشان بخواهند تشکیل بدهند تغییر نکرده است.  
در جریان استعفاي دولت بهیچوجه جنبه دمکراسی مراعات نشده و رئیس دولت استعفاي خود را در جلسه خصوصی اعلام نداشت و قریب ۴۰ تن از نمایندگان متفرد و اعضاء فراکسیون توده خبر استعفا را بطور غیر رسمی دریافت داشته اند. رئیس مجلس بدون تشکیل جلسه خصوصی نزد شاه رفته و نمایان مجلس را اعلام کرده است.  
مسئله دیگری که قابل اعتدال است تهیه صورت وزیران از طرف جمعی از وکلایست.  
ما با این عمل اصولا از اینجنت مغالیم که منافی تفکیک قوه مجریه و مقننه است و مشغولت اصحاب دولت آنگه متوجه نمایندگان خواهد شد که در تعیین اعضاء کابینه شریکت ورزیده اند.

روایح

## در گور زندگی

یازده بار نسیم بهار بسر نهال زده گیم وز زده بود. در کلاس پنجم دبستان درس میخواندم شاکرد جدی و قوی الساده کاری بودم. مثل تمام بچه ها شاکردان برینکت اول کلاس جایگزینم تا هم بهتر از درس استفاده کنم وهم معلم مرا بهتر بینه و بیشتر از این درس بیرونم و زیادت نره بیست بن ۴۴۴ بقیه در صفحه ۲

## اخبار حزبی

### انتخابات کمیته

آقای قرامی نماینده کمیته مرکزی در فراکسیون حزبی اتحادیه ها و آقای دکتر رضا دانش مسئول سازمان جوانان و آقای دکتر کشاورز مدیر فراکسیون پارلمانی در کمیته مرکزی انتخاب شدند.  
آقای کابیش مسئول کمیسیون تشکیلات ۲ نفر اعضاء کمیسیون را به ترتیب زیرین معرفی کرده و مورد تصویب واقع شد:

- آقای کابیش
- فدا کار
- مهندس سکی بواد
- کیاری
- اعزازی
- ضیاء المونی
- قرجانی
- آقای پروین گنابادی مسئول کمیسیون تبلیغات ۲ نفر اعضاء کمیسیون را به ترتیب زیرین معرفی کردند مورد تصویب واقع شد:
- آقای پروین گنابادی
- انور خامه
- دکتر فروتن
- دکتر فتیلی
- مهندس سلیمان محمد زاده
- غیر خواه
- جباری
- آقای امیر خیزی مسئول کمیسیون مالی ۳ نفر اعضاء کمیسیون مالی را به ترتیب زیرین معرفی کردند و مورد تصویب واقع شد:
- آقای امیر خیزی
- آقای دکتر پردی
- رضا روسفا

## برای توجه وزارت پست و تلگراف

در تعقیب خبریکه چندی پیش در نامه ربهردار پست و تلگراف در مکر فرستاده بیستم منتشر شده موضوع زیر قابل توجه است: در حدود صد حلقه کابل که بهای آن بالغ بر یک میلیون تومان است در انبار آتسکرک بر اثر بی مبالائی و عدم مراقبت رفته رفته فاسد شده و بعلت حرارت محل قیر آنها آب و اگر این ترتیب ادامه پیدا کنند دیگر کابل های مزبور قابل استفاده نخواهند بود -  
نوع این کابلها نه تنها فلا نایاب و پر بهاست بلکه پس از چنگ نیز بهسوات بدست نخواهد آمد - نظامی این خراب کاریها در آن مرکز فراوان است و اتفاقا کسانیکه در این خرابکاریها از خود مهارت بخرج داده اند مورد تشویق واقع شده اند - ما مخصوصا از وزارت پست و تلگراف انتظار داریم اشخاص مطمئن و خیره را مامور رسیدگی امورات آتسکرک نمایند تا هر چه زود تر از این خراب کاریها جلوگیری بعمل آید.



علاقمند خیرهای جهان

ارتش سرخ کلات و چند شهر دیگر را در رومانی تصرف نمود...

در جبهه خاور

بر طبق دو اعلامیه که از طرف مارشال استالین انتشار یافته است ارتشهای سرخ در رومانی به پیروزیهای بزرگی نائل شده اند...

در رومانی

بوخارست اعلامیه فرماندهی عالی نیروی رومانی که از طرف وادویی بوخارست انتشار یافته است حاکی است که ارتش رومانی دوازده هزار تن از افسران و سربازان آلمانی را دستگیر کرده علاوه بر این در منطقه های دیگر رومانی نیز قوای آلمانی و نیروی رومانی رزم ادامه دارد...

روز بیست و پنجم اوت گرزولو وزیر متعارف رومانی در آنکارا طبق دستور نخست وزیر جدید رومانی رنو و گاروف سبیر کبیر شوروی در آنکارا آمد...

در بلغارستان

مسکو - اعلامیه اداره اطلاعات کیساریای امرو خارجه شوروی دوباره اوضاع بلغارستان برار زیر است که روز بیست و هشتم اوت در آنکروف وزیر امور خارجه بلغارستان از طرف دولت بیرونی خود به کیساریا در کاردار سفارت شوروی در بلغارستان اظهار داشته است که دولت بلغارستان تصمیم دارد بر طرفی صفاق خود را منظر نماید...

در جبهه فرانسه

لندن - در اتاتییک رودی الجزیره میگوید که جلوه امان نیروی آمریکا به ونزی فرانسوا واقع در ۵۰۰ مایلی جنوب باختری رودن دیده است...

یک غیرنظامی مرموز روایت کرد نرد ستاد متفقین اطلاع میدهد که در شمال خاوری ملون متفقین ۲۶ میلیی رفته ونسی از راه مارن را طی کرده اند و اینکه در ستاد اعظم متفقین در جنوب خاوری پاریس تسلط گردیده و پسرمت پین سن ومارن برقرار میکنند تکیه گاهی که در پولهولاز در کرانه رود سن ایجاد گردیده بود اینکه تا کسیه آنزیف توسعه یافته است...

اخبار کسپو

افزایش درآمدهای دولتی

بطوری که از وزارت دارایی اطلاع میدهد آمار در آمد کسپو در خرداد ماه ۱۳۲۴ افزایش های هنگفتی را نسبت به ماه مشابه خرداد ماه ۱۳۲۳ نشان میدهد...

در مجلس

مجلس شورای ملی در جلسه روز چهارشنبه ۲۶ خرداد ماه ۱۳۲۴ در ساعت ۱۰ صبح به کار خود ادامه داد...

جشن افتتاح چاه آب

برای یک از قروین اطلاع میدهند چون اسمال آب کم بود و مردم برای آب در مشقه بودند از طرف مقامات شوروی تصمیم گرفته شد...

بازگشت به کفراش

اطلاق بازرگانی بین آلمان و آمریکا با تشریح مساعی اطالتهای بازرگانی کشور های متسه آمریکا در ماه نوامبر آیتمه کفراش مریک از نایندگان...

در انجمن مبارزه با تریاک

سی اسین چله انجمن مبارزه با تریاک و اکل پر بر روز در محل اجین شود...

ادایات توده

سی محمد دادوی - کارگر

چرا؟

چرا هر دم که روز صفت و وقت جاخانی شد سیر از سینه مردان آذربایجانی شد...

سرکاری

پیمان باسید خان بیک هر کس می خواستی بدان برویست ات در سینت ما با یکانی شد...

میکارود

مدی از اهالی میکارود طی نامه ای مینویسند که مبارز و کاشکنان آفتاب حاج قائم مقام یا قوم و زوری که دست دارنده نسبت به نمود ملکی ما...

نامه های رسید

مقام و یکنفر هم از طرف ماتسین شده پرایس مسا رسیدگی و رفع اختلاف نماید

آزاد کردن اشراق

نگرانی از ساری رسید: هیولید: شیوع دارد قی جانی دیده سری با برادر و باش که در ساری کرموس میباشند...

دادخواست زار عین

سیکا رود: مدی از اهالی سیکا رود طی نامه ای مینویسند که مبارز و کاشکنان آفتاب حاج قائم مقام یا قوم و زوری که دست دارنده نسبت به نمود ملکی ما...

طرفداری از فاشیسم

در ۲۳ مرداد ۱۳۲۳ نایب مینر و موسولینی که از طرف یکدمه جوانان روشنگر و آزادیخواه در میهنانقلاب کنتینتارده میند و آفتاب اسید در اطراف تاریخ فاشیسم و سرکار آمدن آن در ایتالیا و سرایت آن در اروپا...

چاپخانه تولد ایران

# کارگران. دهقانان. روشن فکران پیشروان. بر علیه ارتجاع متحد شوید

# بر علیه سرکوبه استعمار کشور ایران مبارزه کنید

نطق دکتر کیاوری در کلوب مرکزی حزب - ۲ -

## دولت گنونی بنده ارتجاع است

مخالفت ما با دولت - قضای اصفهان - تحریکات و ایجاد اغتشاش در آذربایجان - شاهی - ملایر - سمنان - مسئله میسیون امریکائی - شهرداری - نظر ما نسبت باین دستگاه -

از آنها چند پرونده کلاه برداری و ارتشاه و اختلاس در مراجع دولتی و دست حکم صدها پرونده خیانت وطن فروشی دزدی در نزد توده دارنده برای مامسان خواهد شد که سیاست طرز کار یک چنین دولتی بدون شک مانده دوستان سابق و حشامه خلف منافع طبقات زحمتکش و منافع منافع دزدان و شیدان است با این طرز قضاوت نظر ما نسبت بدولت گنونی در بدو تشکیل آن مشخص بود و اکنون که بیش از ۸ ماه از عمر این دولت میگذرد ما دلالتی از برای اثبات نظریه خود در دست داریم

کلیه اقدامات دولت ارتجاعی گنونی نظریه ما را تایید میکنند و در برابری همه مسلم است که تمام کوشش و ماموریت این دولت برای از بین بردن حقوق حقه اکثریت توده - برای معی کردن احزاب و اتحادیه های آزادیخواه برای تثبیت منافع یک اقلیت متفخور و تهیه زمینه برای تجدید حکومت دیکتاتوری و قلداری و بالاخره استعمار اقتصادی کشور بدست مراجع خارجی میباشد - ما برای هر یک از ادعاها دلالتی داریم

**قضای اصفهان - افشار -**  
اولین اقدام درخشان دولت در راه احقاق حق طبقات زحمتکش ۱۱ بر پا کردن قضای اصفهان بود - در آن موقع دولت نفلی با دستور از بابات سرمایه دار اصفهانی و اربابان بالاتر آنها نقشه مفصلی برای از بین بردن تشکیلات کاری آنها تهیه دیدند - نمایندگان دولت در اصفهان با دستور وزیر کشور و نخست وزیر و با همکاری صبیانه صاحبان کارخانه هده اوباش را واداشتند که در شهر اصفهان اغتشاش برپا کنند و سعی کردند که این سرو صدا را بنام کارگران صلحجوی زحمتکش اصفهان تمام کنند - برای آنکه این منظور بهتر عملی شود رضا افشار - یمنی کسی که در این دزدبازار و در این بچا و بچاپ خود به رشوه گرفتن اقرار کرده است و محکوم به انفصال ابد از خدمات دولتی شده است بدست استانداری اصفهان فرستادند - بقیه جریانات اصفهان برای همه روشن است - امروز باید اقرار کنیم که اگر مقاومت بی نظیر رفقای دلیز اصفهانی ما و اراده محکم و خلل ناپذیر سایر رفقای زحمتکش مادر تمام قاطب ایران نبود نقشه خطرناک آنها عملی میشد - ولی این آقایان به حساب کرده بودند - اولین حمله خانقانه آنها در مقابل مشت گره کرده کارگران اصفهانی خود شد -

## ملایر یا مستعمره ملک مدنی

بیه از صفحه ۱  
بیشرفت شایانی کرده بود و فقط تصور نمینمودند که اینجانبان سبب کلی پیشرفت حزب توده هستیم ازلو شروع به تطبیح ما دونفر نمودند البته موثر یافتند صفا واقعه نسکی پاسبان که در روزنامه رهبر هم منعکس شد پیش قلمی صاحب مکتب کثیری شده و هزارها تومان اموال متفقین را از اراذل و اوباش که بسرقت میبردند گرفته و به تبت های گراف می فروخت  
حزب با فعالیت درین مورد شروع با اقدام کرد فرماندار و رئیس شهربانی روی دستور کلی ملک مدنی و خصوصاً دیگر تهدیداتی شروع کردند و کار تهدید را بجای باریک کشانیدند ما همه را بر سر کار میادیم و در روزنامه رهبر منعکس میشد ولی دولت هیچگونه اقدامی نسبت بفرماندار نکرد دولت اختیالی نکرده سرانجام اینجانبان کاملاً بقدرت ازبای خودشان ملک مدنی مطئن شدند و در بلوای داویدجان که شهادت پرونده حزب توده نهایت درجه دقت و محتاط را بعمل آورده و حتی قبل از بلوی و پس از آن دقیقاً مراقب نقشه کشیهای فرماندار بوده است و قضا را هم بدولت تدر داده و با زمام دولت اختیالی نکرده سرانجام اینجانبان را ده روز توقیف غیرقانونی کردند بشهادت پرونده اولادمدنی برای تطبیح ما جز امر فرماندار نبوده ثانیاً موضوع با آنکه قابل صدور هفتتزار توقیف در وجه الضمان نبود رای صادر گردید و

## بخشنامه کمسیون تفتیش کل

کمسیون تفتیش کل از روز یکشنبه ۲۲ مرداد ۱۳۴۲ شروع بکار نموده است. کسانی که از افراد یا مراجع حزبی شکایت داشته باشند میتوانند فعلاً هر روز از ساعت ۸ تا ۴ بعد از ظهر بدفتر کمسیون کل در کلوب مرکزی حزب نو - ابراه کتبا یا شاهما گزارشی دهند.  
اشخاص ومقامات حزبی باید حتی المقدور از مراجعه شکایاتی که کل آنها بوسیله مراجع حزبی عملی امکان پذیر میباشد به کمسیون تفتیش کل خودداری نمایند تا باعث تراکم کارها نشود. فقط شکایاتی که رسیدگی بآنها از صلاحیت مراجع محلی خارج بوده و یا در آن مراجع مورد رسیدگی قرار نگرفته است باید به کمسیون تفتیش کل مراجعه شو  
۴- کمسیون تفتیش کل حزب توده ایران

بذیراتی میشد - اصلاً سرباز در زیر لباس سربازی چیست غیر از ملت ؟ دو برادر، دو فرزند یک مادر، سرباز و فرد توده، بهم رسیدند و در آغوش هم افتادند.  
در روز ۲۷ ژوئن رئیس گارد فرانسه، ۱۱ نفر از سربازانی که قسم خورده بودند در هیچ موردی یا امر اینجمن ملی مخالفت نکنند بزرگان انداخت و حتی از این حد هم بالا تر رفته خواست آنها را از زندان نظامی بیرون بکشد و بزندان دزدان بینهازد. وقتی سکه خبر زندانی کردن سربازها بگوش مردم رسید جوانی بالای صندلی رفته فریاد زد: « بروم بزرگان، بروم کسانی را که ضحاکه اندیروی ملت شلیک کنند نجات بهمیم. مردم راه انداختند و وقتی که بزدن رسیدند عده آنها تقریباً چهار هزار نفر بود. دو ویسکر زندان را با چوب و تبر شکستند و سربازات را نجات دادند. وقتی که بیرون آمده عده ای از سربازان دربار ششیر بدست رسیدند ولی آنها هم نتوانستند بروی کسانی که سربازها را نجات داده بودند شمشیر بکشند. همه دست آشی بهم دادند و شراب برای هم آورده سلامتی خوردند. ملت فرصت را غنیمت شمرده سربازان را هم خلاص کرد. در میان جسی ها پیر مردی بود که داشت در زندان میبوسید و دیگر نمیتوانست راه برود. این بیچاره که مدت مدیدی تحت شکنجه مانده بود بقدری متان شده بود که نمیتوانست چه بگوید. آقایان من از اینهمه محبت خوامم مرد.

## انجمن ملی - چند منظره از انقلاب فرانسه

و تپیا هر کدام به طالار های خود برای مذاکره رفتند. نمایندگان طبقه سوم هم بسال خود رفته منتظر آنها شدند زیرا که بقیه آنها میبایست مذاکرات در مجمع عمومی بعمل آید اما روحانیون و تپیا که خود را یکی جد او مانع نمایندگان طبقه سوم میدانستند باین اجتناع راضی نبودند و تا مدت پنج هفته از این که نمایندگان طبقه سوم در یک طالار بنشینند و سخن بگویند امتناع ورزیدند. در این مدت روحانیون و تپیا با دو بار مشغول دسیسه بودند و نمایندگان طبقه سوم با ملت تماس داشتند. دیگر موجب آن فرا رسیده بود که ساحل دریای کهن را ترک بگویند و در روی دریای بیگران آینه یادبان بکشدند. یکی از طرفداران طبقه سوم، در خطاب به تپیا گفته بود: « شما نیابت خودتان را با فتح و نیروی بدست آورده اید، بسیار خوب، طبقه سوم هم بوسیله فتح و نیروی بنوبه خوش نیب خواهد شد. »  
در روز ۱۷ ژوئن « سهیس » یکی از نمایندگان طبقه سوم پیشنهاد کرد که چون مجمع ما از نمایندگان ۹۶ در صدمت تشکیل یافته و نباید در این غیبت نمایندگان دیگر بیکار بماند مجمع نمایندگان طبقه سوم بنام « انجمن ملی » نامیده شود و شروع بکار نماید. این پیشنهاد پذیرفته شد و انجمن ملی شروع بکار کرد « بایی » را بعنوان رئیس انتخاب نمود. این موضوع پستری شریه بزرگی بود که بر دربار وارد آمد ولی لویی، ۱۸ باز تحت نفوذ ماری آنتوات و اطرافیان واقع شده بخیل افتاد که انجمن ملی را با توب و نشر از میدان در بکنند.  
روز ۲۰ ژوئن که اعضای انجمن ملی بست طالار خود رفتند قراولان مانع ورود آنها شدند. آنها پس از این تغییر بزرگ بیوی یکی از عبارات گفت: « ورسای رفته در سالن متروکی که سابقاً محل بازی درباریان بوده جمع شدند. در آنجا دستها را بلند کرده سوگند خوردند که بیش از آنکه یک قانون اساسی بفرانسه بدهند از یکدیگر جدا نشوند. در این موقع یکی از اعضای مخصوصاً برای اینکه انجمن ملی را تقویت کند پیام فرستاد که فردا میخواند در آن سالن بازی کند ا دربار بیخیر باین طریق بازی میکند و خوشحال بود از آنجمن ملی را از آن سالن بیرون کرد و در آنجا رفت او را رانندند. این اشخاص سرگردان، این دسته خطرناک که تمام دوها بر روی آن بسته میشد چه لسانی بودند! اینها خود ملت بودند که همه درها بر روی او مسدود گردیده بود.  
در روز ۲۳ ژوئن دوباره انجمن عمومی با حضور شاه برپا گردید. اما در حالی که تپیا و روحانیون از درب بزرگ وارد میشدند نمایندگان طبقه سوم در پشت درب مقب در زیر باران منتظر ایستاده با قراولان در موضوع اجازه ورود مباحثه میکردند. در این روز نمایندگان را هم رها کردند. شاه وارد طالار شده بدون تعویبیت منازحه تمسیمی بگیریند و درباریان بهیچ وجه حق ندارند بدون تعویبیت منازحه تمسیمی بگیریند و درباریان نطق خویش گفت: « آقایان امن بشما دستور میدهم که فوراً از هم جدا بشوید و فردا صبح هر کدام در طالاری که مال طبقه شماست حاضر شوید. »  
پادشاه پس از نطق خود خارج شد، تپیا و روحانیون هم بیرون رفتند. اما نمایندگان طبقه سوم با حالت سگوم با خدمت باقی ماندند. رئیس شرفیاب آمد و برپس انجمن ملی خطاب نموده گفت: « آقایان دستور شاه را شنیدید؟ » در این موقع ماریو، خطیب معروف، رو برپس تشریفات کرده کلام تاریخی خود را اظهار داشت: « بروم آن کسانی که شما را فرستاده اند بگویند که ما باراده ملت اینجا آمده ایم و ما را نمیتواند از اینجا دور کنند مگر با نیروی سرتیبه. »  
رئیس تشریفات در اثر هیبت این سخن در مقابل انجمن ملی بفرقا از دو بیرون رفت، همانطور که در مقابل شاه بیرون میرفت. انجمن ملی شروع بیکار کرد و در همین جلسه برای بصویت اضای انجمن رای داد.  
اوتش. در این موقع تمام امید دربار بارتش بود. از این جهت بی مناسبت نیست که قسری بر اوضاع ارتش آن زمان گفتگو کنیم.  
بوده ارتش لویی شانزدهم ۶ میلیون برای افسران و لی فقط ۴ میلیون برای سربازان محل داشت. از اینجا میتوان فهمید که چه فرق فاحشی میان افسران و افراد ارتش وجود بود. سربازها همیشه میبایست در درجه سربازی باقی بمانند و جیره و حقوق آنها بیبانه های کزناکون طعمه افسران میشد و حال آنکه افسر ها همیشه از اعیان و فرزندان اعیان بودند که در کمال آسایش و قدرت بسر میبردند. از این جهت بعضی اینکه انقلاب فرانسه شروع شد میان افسر و سرباز جدایی افتاد. برای اینکه کلاً روشن شود که توده چقدر از افسرها منزجر بودند تذکر میدهم که در شهر (کان) وقتی که مردم ریخته یکی از افسران را با شریه تک از پای در آورده و بدیش را که تکه کرده یکی از زنها از شدت کینه ای که داشت قلب او را در آورده خورد.  
این نکته را هم بگویم که ملکه فرانسه، این زیبایی زیبا یات، افسران او را بزند خود میبرد، نوشته هائی بآنها میداد و آنها را با کلمات شریه و نگاههای خود گمراه میکرد تا ششیر بر روی ملت بکشدند. اما در مورد سربازها کلاً برعکس بود. سرباز که دوره سلطنت استبدادی بکلی از مرایب اجتناع محروم بود از طرف ملت با کمال محبت